



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

سال پنجم / شماره بیستم
آذر ۱۴۰۱ / جماد الثانی ۱۴۴۴



نشریه گروه جهاد پزشکی
شهید کاظم آشتیانی



گروه جهاد پزشکی
شهید کاظم آشتیانی
دانشکده تخصصی طب اسلامی و طب سنتی

گاهنامه مهاجر

سخن سردبیر...

دقیقه‌های پایانی پاییز، حال عجیبی را به دوش می‌کشد.
 احوال اخیر مردمان، صدای خستگی چشم‌ها، همه و همه نبود او را به رخ می‌کشند...
 او نیست و زلف پریشان جهان، پریشان‌تر از همیشه گشته؛
 او نیست و قاعده‌ها دیگر قانون‌مند نیست...
 اگر او بیاید، پاییز بهار می‌شود و یلدا دیگر طولانی‌ترین شب سال نیست...
 روزی که او بیاید طولانی‌ترین روشنی روز رقم می‌خورد و شب سیاه جایش را به فروغ واقعیت می‌دهد...
 شما را به نام مادر قد خمیده‌ات قسم، بیا...
 بیا و خزان دل‌هایمان را ربیع کن
 بیا و قلب‌های زنگار گرفته‌ی ما را
 با آب زمزم حقیقت، وضوی عشق ده!



سلام الله علیها زندگی شهادت

حدود چهار هزار شتر...

باور می کنید باغی حدود چهار هزار شتر سالانه محصول بدهد؟ چیزی در حدود هشت هزار تن. اگر ما محصول باغ را خرما در نظر بگیریم و به قیمت روز بخواهیم محاسبه کنیم چیزی در حدود ۳۰۰ میلیارد تومان سالیانه درآمدی هست که از این باغ وصول می شود. شما اگر صاحب این دارایی با این حجم باشید چه می کنید؟ حال اگر با این دارایی قرار باشد به دین خدا یاری برسانید چند درصد از آن را در راه خدا انفاق می کنید؟

پس از رحلت پیامبر و تنها با گذشت ده روز، آن را نشان می دهند و با این بهانه که از پیامبر ارثی نمی رسد باغی را غصب می کنند که سهم خودشان نبود. خونمان به جوش می آید از آنکه پس از چهارده قرن فاطمه زهرا (س) را در گوشه ای از مسجد مشغول ناله و سخن و اشک می بینیم اما هنوز هم باید صبر کنیم تا روزی که منتقم آن سیلی برسد. آن روز باید طعم عدالت چشیده شود با دستان مهدی (ع) برای مادر پهلو شکسته مان.

خوب به سوالات بالا توجه کنید. این درآمد، درآمد سالیانه از نصف منطقه فدک بوده است. فدک منطقه ای استراتژیک در نزدیکی قلعه خیبر بوده است که پس از فتح خیبر، یهودیان آن را به پیامبر واگذار می کنند و پیامبر نیز در زمان حیات خویش آن را به مادرمان حضرت زهرا سلام الله علیها می بخشند! در دیوار گلی فدک گمان می برند که پس از این واقعه مردم این دیوارها را مطلقا می کنند ولی واقعیت چیز دیگری رقم می خورد. کینه ای که نسبت به خاندان نور داشتند که



کتابخانه ماه

گویند در این روز، نور از حد نقصان به حد زیادت خارج می‌شود و آدمیان به نشو و نما آغاز می‌کنند و پری‌ها (دیوها) به دَبُول و فنا روی می‌آورند. این جشن راه، یعنی روز اول دی‌ماه راه، نود روز هم می‌گویند؛ چون میان آن تا نوروز درست نود روز فاصله است. دی‌ماه و آن را خورماه هم می‌گویند. نخستین روز آن خرم‌روز (خره‌روز) است و این روز و این ماه هر دو به نام خدای بزرگ است.

در برهان قاطع ذیل واژه «یلدا» چنین آمده است: یلدا شب اول زمستان و شب آخر پاییز است که اول جدی و آخر قوس باشد و آن درازترین شب‌هاست در تمام سال و در آن شب و یا نزدیک به آن شب، آفتاب به برج جدی تحویل می‌کند و گویند آن شب به غایت شوم و نامبارک می‌باشد و بعضی گفته‌اند شب یلدا یازدهم جدی است.

برخی باستان‌شناسان تاریخ شب یلدا را هفت هزار ساله می‌دانند. آن‌ها به ظروف سفالی دوره پیش از تاریخ، استناد می‌کنند. این ظروف دارای نقوش حیوانی ماه‌های ایرانی، مانند قوچ و عقرب هستند. البته این نقوش در کتیبه‌ها و یافته‌های باستان‌شناسی کمیاب‌اند. اما باستان‌شناسان معتقدند، می‌شود آیین مربوط به شب یلدا را تا هفت هزار سال قبل، ردیابی کرد. یلدا در زمان داریوش یکم به تقویم رسمی ایرانیان باستان، وارد شده است.

در گذشته، آیین‌هایی در این هنگام برگزار می‌شده است که یکی از آنها جشنی شبانه و بیداری تا بامداد و تماشای طلوع خورشید تازه متولد شده، بوده است. جشنی که از لازمه‌های آن، حضور کهنسالان و بزرگان خانواده، به نماد کهنسالی خورشید در پایان پاییز بوده است، و همچنین خوراکی‌های فراوان برای بیداری درازمدت که همچون انار و هندوانه و سنجید، به رنگ سرخ خورشید باشند.

سفره شب یلدا، هم‌بزرگ Myazd نام داشت و شامل میوه‌های تر و خشک، آجیل یا به اصطلاح زرتشتیان، لُرك Lork که از لوازم این جشن بود، به اقتضای و ویژگی «اورمزده» و مهر، یا خورشید برگزار می‌شد.

معمولاً در شب یلدا رسم بر این است که صاحب‌خانه، دیوان حافظ را به بزرگتر فامیل که سواد دارد، می‌دهد. سپس هر یک از میهمانان نیت کرده و بزرگ مجلس، این جمله را می‌گوید و تفعلی به گنجینه حافظ می‌زند: «ای حافظ شیرازی / تو محرم هر رازی / بر ما نظر اندازی / قسم به قرآن مجیدی که در سینه داری...»

یلدا برگرفته از واژه‌های سریانی است و مفهوم آن «میلا» است. باوری بر این مبنا در بین مردم رایج بود که در شب یلدا، قارون ثروتمند در لباس کهنه هیزمشکبان به در خانه‌ها می‌آید و به مردم هیزم می‌دهد، و این هیزم‌ها در صبح روز بعد از شب یلدا، به شمش زر تبدیل می‌شود، بنابراین شب یلدا را تا صبح به انتظار از راه رسیدن هیزمشکن زربخش و هدیه هیزمین خود بیدار می‌مانند و مراسم جشن و سرور و شادمانی بر پا می‌کردند.

چله اول که اولین روز زمستان و یا نخستین شب آن است، تولد مهر و خورشید است؛ زیرا مردم دوره‌های گذشته که پایه زندگی‌شان بر کشاورزی و چوپانی قرار داشت، در طول سال با سپری شدن تضادهای طبیعت خود داشتند و بر اثر تجربه و گذشت زمان با گردش خورشید و تغییر فصول، کارها و فعالیتشان را تنظیم می‌کردند.

آن‌ها تأثیر نور و تاریکی، گرما و سرما را بر زندگی‌شان می‌دیدند. از تأثیراتی که می‌گرفتند به این نتیجه رسیده بودند که روز و خورشید، نماد آفریدگار و نیکی است. در مقابل آن، شب و سرما نشانه‌های اهریمن و پلیدیست.

به تدریج دریافته‌اند که کوتاه‌ترین روزها، آخرین روز پاییز یعنی سی‌ام آذر و بلندترین شب‌ها، شب اول زمستان است؛ اما بلافاصله بعد از این با آغاز دی روزها بلندتر و شب‌ها کوتاه‌تر می‌شود. ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه درباره‌ی شب یلدا می‌گوید: «و نام این روز میلاد اکبر است و مقصود از آن، انقلاب شتوی (زمستانی) است.»



از فروردین سال ۱۴۰۰ بود که برگزاری پویش‌های تخصصی زنان را با فکر کمک هرچه بیشتر و گسترده‌تر به دختران، زنان و مادران باردار در مناطق مختلف استان تهران، شروع شد.

هرماه یک گروه متشکل از متخصصین زنان، ماما، پرستاران، نیروهای آزمایشگاه و دانشجویان پزشکی دورهم جمع می‌شویم و به مناطق کم‌برخوردار و محروم اطراف تهران، اعزام می‌رویم تا هرچند کوتاه، مرهم بخش دردها و شنوای مشکلاتشان باشیم. خدمات پویش به دو بخش داخل پویش و فرای پویش تقسیم می‌شوند.

با بررسی‌هایی که انجام دادیم و با تکیه بر اصل پیشگیری بهتر از درمان، بخش آموزش را برپا کردیم؛ این بخش شامل آموزش در زمینه فیزیولوژی، مشکلات قاعدگی، آشنایی با تست‌های غربالگری مثل پاپ‌اسمیر، جلوگیری از بیماری‌های مقاربتی و نکاتی جهت بهبود

تغذیه خانم‌ها در سنین بلوغ، باروری و یائسگی می‌باشد که با دادن پمفلت‌های متنوع، تکمیل می‌شود.

پاسخ‌گویی به سوالات رایج خانم‌ها و ابهامات مکرر درباره‌ی موارد مختلفی که دهان‌به‌دهان شنیده‌اند، از لذت‌بخش‌ترین احساسات تجربه شده در این بخش می‌باشد.

ویزیت رایگان متخصصین و اهدای رایگان دارو برای رفع بیماری و مشکلات ژنیکولوژی و همچنین آزمایش خون، ادرار و پاپ‌اسمیر، تکمیل‌کننده جهاد مومنانه پزشکان و ماماها،ی عزیزمان است.

یکی از موثرترین بخش‌های اردو، ارجاع است. خدماتی را که به علت محدودیت منابع قادر به ارائه آن‌ها نباشیم، به مراکز دولتی اطراف ارجاع داده می‌شوند تا تشخیص دقیق مشکل مشخص شود. و شیرین‌ترین بخش ماجرا، دیدن مهر مادری است.

مادران باردار و زوج‌هایی که ناباروری دارند، شناسایی شده و مشمول خدمات کارگروه‌های مادران و ناباروری می‌شود. مادران باردار نگرانی که با راهنمایی‌ها و مشاوره‌ی اعضای گروه، بارداری خوب و آرامی را سپری می‌کنند؛ انگار که یک مامای همراه، همواره مراقب و پاسخگوی سوالات آنهاست. و یا زوجی که پس از سال‌ها بالاخره می‌توانند ثمره زندگی‌شان را به آغوش بکشند.

و حتی مادرانی که پس از زایمان هم مارا محرم دردهای خود می‌دانند و مشاوره‌های پزشکی خود را پیش ما می‌آورند یا دست‌هایی که دعاگوی گروه است، این لحظات از ناب‌ترین روزهای زندگی ماست و این وهله از زمان، ثمره تلاش چندین ماهه‌ی خود را می‌بینیم.

آرمان گروه این است که بی‌منت و برای رضای الهی خدمت کند و با عشق گام بردارد تا هرچه بهتر و بیشتر کمک مادران، همسران و دختران (مهدمهر) سرزمین مان باشیم.



الذکر عظیم

است. روی سخن در سوره دارد و مشهور است که این سوره در مکه نازل شده است ولی بعضی احتمال مدنی بودن آن را داده‌اند، این احتمال نیز داده شده است که یک بار در مکه و یک بار در مدینه نازل شده

کوثر از کوثر گرفته شده و به معنی خیر و برکت فراوان است و به افراد سخاوتمند نیز کوثر گفته می‌شود. این نعمت عظیم و خیر فراوان شکرانه‌ی عظیم لازم دارد، هر چند شکر مخلوق هرگز حق نعمت خالق را ادا نمی‌کند، بلکه توفیق شکرگزاری خود نعمت دیگری است، لذا می‌فرماید: «اکنون که چنین است، فقط برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن، (فصل لربك وانحر). و در آخرین آیه این سوره با توجه به نسبتی که سران شرک به آن حضرت می‌دادند، می‌فرماید: «توا بتر و بلاعقب نیستی، دشمن تو ابر است» (ان شائتک هو الابر). (شانی، از ماده (شنتان) (بر وزن ضریان) به معنی عداوت و کینه‌ورزی و بدخلقی کردن است و (شانی) کسی است که دارای این وصف باشد.